

بررسی رابطه کارکرد اجرایی با انگیزش و رغبت های شغلی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تهران

سعید حیدریان^۱

علی اکبر ارجمند نیا^۲

غلامعلی لواسانی^۳

چکیده:

پرورش دانش آموزان انگیزمند و جهت مند و دارای رغبت شغلی مشخص و تثبیت شده از اهداف نظام آموزشی هر جامعه ای است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین کارکرد اجرایی خودتنظیمی و انگیزش با رغبت شغلی در بین دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تهران انجام گردید. پژوهش حاضر بر روی ۴۰۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه صورت گرفت. جهت بررسی رابطه بین خودتنظیمی و انگیزش با رغبت شغلی از پرسشنامه خودتنظیمی زیمرمن و پونز (۱۹۸۶)، پرسشنامه انگیزش هرمنس (۱۹۷۰) و پرسشنامه رغبت سنج تحصیلی و شغلی هالند (۱۹۵۸) استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از طریق روش های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده گردید. نتیجه حاصل شده حاکی از رابطه ای معنی داری بین خودتنظیمی و انگیزش با رغبت شغلی می باشد. به این معنا که خودتنظیمی و انگیزش توانایی پیش بینی رغبت شغلی را در دانش آموزان دارند. به عبارت دیگر برای دست یابی به رغبت شغلی مشخص و روشن، دست یابی به خودتنظیمی و خودانگیختگی امری ضروری است.

کلمات کلیدی: کارکرد اجرایی، رغبت شغلی، انگیزش، خودتنظیمی

مقدمه و بیان مساله

تصمیم گیری درباره انتخاب شغل و حرفه یکی از مهمترین و سرنوشت سازترین موضوعات در زندگی هر فرد به حساب می آید. امروزه پیچیدگی و دگرگونی دنیای کار، سرعت فزاینده رشد تکنولوژی، تقاضاهای روزافزون برای ورود به برخی مشاغل و نیاز به کسب دانش و مهارتها با توجه به تفاوت های فردی، موجب برهم خوردن تعادل آموزش و بازار کار شده و مشکلاتی را در چگونگی هدایت استعدادها، راهنمایی شغلی و تصمیم گیری حرفه ای بوجود آورده است. از آنجا که یکی از اهداف تعلیم و تربیت در کنار دیگر اهداف، تسهیل رشد حرفه ای و هدایت شغلی افراد است، و این هدف بویژه در حیطه آموزش و پرورش و تا حدی آموزش عالی کشور قرار می گیرد، لذا، باید کوشش نمود تا این مهم بصورت سیستماتیک به اهداف از پیش تعیین شده خود برسد.